



شیخ رحیم خان ابراهیمی

صد خانوادہ حکومتگر ایران خاندان ابراهیمی

ابراہیمی ، محمد رحیم خان

پس از محمد کریم خان (شیخ سوم) مدتی اختلاف بین دو پسر شیخ و دو برادر محمد رحیم خان و محمد خان بر سر ریاست فرقه شیخی در کرمان در گیر بود و چون بقول روزنامه اتحاد ملی محمد رحیم خان مردی (فاضل و شاعر و باجرہ) بود پیران پدر را بطرف خود کشیدولی باطنا "بدستگاه شیخیگری اعتقاد زیاد نداشت . محمد رحیم خان در سال ۱۲۶۲ق پا به جهان گذارد و پانزده سال بزرگتر از برادر دیگر خود و بزرگترین فرزند محمد کریم خان بود .

در زمان وی دامنه تحریکات شیخی و متشرع برای اولین بار سخت بالا گرفت ، شهر کرمان دستخوش نا امنی و شورش گردید ، بطوریکه بدستور ناصرالدینشاه سران متشرع و شبخی (شیخ ابو جعفر مجتهد ، محمد رحیم خان) از کرمان بیرون میروند ، شیخ بدعوت شاه بہتہران خواستہ می شود این عمل بجای اینکه از نفوذ شیخی ها در کرمان بکاهد بدو دلیل خلائی برای تنفیذ آنان ایجاد میکند ؛ یکی نبودن مرد با کفایتی از متشرعین کہ بتواند بجای شیخ ابو جعفر بنشیند ، دیگر اینکه محمد رحیم خان از تہران جانشین و برادر خود را تأیید می کند خود نیز در مرکز کشور موانع و مشکلات را برای پیشرفت شیخیگری از پیش بر میدارد خود وی با گستردن بساط در تہران دامنه نفوذ خود را در حوالی تخت شاهی بسط میدہد بطوریکہ اندکی بعد حاجی آقا علی از متمولین درجہ اول ایران میبیرد وصیت میکند ثلث مایملک خود را کہ بحساب امروز یکصد و پنجاہ یا دوہست میلیون ریال تخمین

شیخ محمد خان ابراهیمی

میزننده اختیار شیخیان میگذارد .

اعتماد السلطنه که در تهران با شیخ آشنائی داشته است او را می ستاید و سپس درباره اش می نویسد (حسن محاضره و لطف محاوره بپرا از هیچکس ندیده ام .) .
آقای ثانی (حاج محمد خان ابراهیمی)

محمد خان فرزند محمد کریم خان در ۱۹ محرم ۱۲۶۳ از بطن دختر ملک آرا پسر فتحعلیشاه متولد شد و از ابتدا جنبه اعیانیت و ظرافت شاهزادگی او بر سایر جنبه هایش میچربید .

پس از رفتن برادر بتهران وی بر مسند ریاست شبخیگری می نشیند ، با تأیید و تقویت برادر از تهران ، کارش بهتر و نفوذش بیشتر از دیگران میشود ، مقام ریاست بدون هیچ اختلاف در حق او مسلم میگردد و بنام (آقای ثانی شیخ چهارم) معروف می شود از کارهای برجسته آقای ثانی انتقال تولیت موقوفه ابراهیمی با مهارت تامی به شخص خود میباشد . او در اندک مدتی جنوب و قسمتی از شرق ایران را زیر سلطه قدرت خود در میآورد در هر جا هر کاری بنام " حریم بست " خود انجام میداد .

گویند ناصرالدوله فیروز والی مقتدر کرمان از شیخ پرسید آیا ممکن است حدود بست خود را بیان کنید ؟ جواب داد منکه قابل نیستم ولی بست امام زمان از آنجائست که آفتاب طلوع میکند تا آنجائیکه غروب مینماید . "

حشمت و شوکت دستگاه او از حدود مجتهدین گذشت ، از هر جهت دستگاه او شباهت بدربار شاهزادگان و امرا داشت تنها در سفر مشهد در سال ۱۳۱۹ قمری سیصد و بیست

شتر زیر بارو بنه سفر او بود و از همین جا میتوان سایر تحملات او را قیاس کرد .
(بد نیست بدانید هشتاد آدم و غلام و مستوفی و منشی و درشکه چی و شاعر و نویسنده و خدام با عصاهای مرصع و متعدد و انواع کالسکه و البسه بسیار فاخر ، انگشترها و تسیحیهای قیمتی بیش از حد و امثال ذالک چنان تجملی بدستگاه او داده بود که اگر در هر شهری یک نفر مجتهد آن وسایل را جمع میکرد نظرها رامی ربود . . .) و بقول مردم آنروز کرمان شیخ فقط از سلطنت جقه‌ای کسر داشت ^۲ .

شیخ در ۱۳۰۵ با اینهمه حشمت از سرزمین فقیر کرمان راه مسافرت دور و درازی را پیش گرفت از بندرعباس و بصره بکربلای معلی مشرف شد و از راه سامره به تکریت و حلب رفت و از آنجا از راه بیروت و اسکندریه بجده برگشت و در سعدیه محرم شد و پس از اعمال حج بمدینه مشرف گشت باز بجده مراجعت کرد و از دریای عمان و خلیج ایران ببوشهر و از آنجا بشیراز آمد بیست روز در آنجا توقف کرد و از راه سیرجان و رفسنجان در اوایل ۱۳۰۶ بکرمان بازگشت ^۳ .

جنگ شیخی و شرعی (پائین سری و بالا سری) در زمان این شیخ بحد نهایت و شدت خود رسید ، ظفرالسلطنه حکمران کرمان زیر بار حکم شیخ نمیرفت در نتیجه نوطئه بلوائی برای عزل حاکم چیده شد ، شورش بزرگی در کرمان بوجود آمد به گرفتن و بستن و مثلوه مهار کردن ببنی مردم پرداختند . این آشوبها را بحساب بی لیاقتی والی گذاشتند ظفرالسلطنه را عزل کردند ، رکن الدوله والی شد . رکن الدوله که آدمی جاه طلب بود از ابتدای ریاست حساب کار خود و نفوذ شیخ را می کند از اینرو دستگاه ایالت را در اختیار شیخی ها گذاشت امیرالامراء " علی امیر ابراهیمی " را بوزارت کرمان و معاونت خود منصوب کرد . (همه مشاغل دولتی را با ابراهیمیه در معرض معامله قرار داد . . .) تاریخ بیداری ایرانیان در این مورد مینویسد : " محرم ۱۳۲۳ جناب امیرالامراء یکی از اجزا رکن الدوله بود متقبل شده که مقرری مالیات را در وقت معلوم و مشخص بصندوق برسانند مشروط بر اینکه رکن الدوله را بهیچوجه مداخله در کار حکومت از کلی و جزئی نباشد (۵) .

او نیز تمام متنفذان و عمال مقتدر ابراهیمی را بسر کار آورد مختارالملک ابراهیمی را کلانترشهر ، رفعت السلطنه ابراهیمی را حاکم رفسنجان و مستعان الملک را حاکم زرنند . . . کرد حال اینان چه برس مردم آورده بعنوان جمع آوری مالیات و حق دیوان

۲-۳- روزنامه اتحاد ملی ۳۲۷ - ۱۹ مرداد ۱۳۳۳

۴- مقاله سید محمد علی جمال زاده (یغما)

۵- روزنامه اتحاد ملی شماره ۳۲۹ - ۲ شهریور ۱۳۳۳

چه کردند فقط نتیجه را از قلم کرمانی مینویسیم (ثروت و دولت کلی عایه مشارالیه شده
گرانی جنس را از آنها میدانستند)^۶

هزار نفر مجروح و مقتول

در این زمان قدرت شیخ بحدی رسید که وقتی میرزا سید جلال الدین امام جمعه کرمان
درگذشت مظفرالدینشاه میخواست عنوان امام جمعه‌ای را به حاجی محمد خان بدهد قبول
نکرد. ولی مخالفان که در رأس آنان خانواده اسفندیاری و سردار نصرت رئیس آن خاندان
قرار داشت ساکت و آرام ننشستند با دستیکه در تهران داشتند بکمک شخصیت‌های اسفندیاری
مرکز (نصیرالسلطنه و محتشم السلطنه و نصیرالملک اسفندیاری) جنگ متشروع و مذهبی را
در کرمان داغتر کردند حاج میرزا محمد رضا مجتهد پسر شیخ ابو جعفر که از کرمان تبعید
شده بود و همین امیرالامرا بپدر او توهین کرده بود کینه‌های دیرین را پیش کشیدند جنگ
شیخی را شروع کردند .

در همین زمان مردی آخوند بنام شیخ شبستری برینی را که میگفتند از الواط بیرجند
و دست آموز بیگانه است در مساجد به منبر بالا بردند ، نطقهای آتشین او کبریتی به انبار
باروت دل‌های مردم زد ، ناگهان هوای کرمان انقلابی و طوفانی شد ، انبوه مردم باخشم و
عصبانیت فریاد میزدند " حاکم شیخی نمیخواهیم وزیر شیخی نمیخواهیم " اوضاع کرمان
بهم خورد تصادم سخت بین دو دسته شروع گردید (محصول این جنگ و مبارزه لااقل
بیش از هزار نفر مجروح و سرشکسته و معدودی مقتول بود)^۷ .

بدینوسیله رکن الدوله معزول و ظفرالسلطنه والی سابق باز بکرمان برگشت . حاج میرزا
احمد رضا مجتهد مثل پدر منکوب و مغلوب و گوشه نشین گردید ، امیرالامرا بتهران احضار
شد شیخ محمد خان ابراهیمی شهر کرمان را ترک گفت .

مجتهد را بفلک بستند !!

ظفرالسلطنه با تدبیر و قدرت در کرمان بحکمرانی مشغول شد ، اطراف او را بتدریج
شیخیان گرفتند . محمد ابراهیمی خود را بوالی نزدیک کرد ، عهده دار عقد و حل امور
مالی ظفرالسلطنه گردید حال پول چقدر تأثیر در حکام آنروزی داشت تو خود حدیث
مفصل بخوان از این مجمل . خاندان اسفندیاری نیز پنهانی بیکار ننشسته به مبارزات آخوندها
شکل دادند با اینکه بسیاری از مشاغل را در اختیار داشتند برای سلطه بیشتر به گل آلود
کردن آب پرداختند .

۶ - تاریخ بیداری ایرانیان ۲۳۸

۷ - روزنامه اتحاد ملی شماره ۳۲۸ - مرداد ۱۳۳۳

باز مردی ساده و بیخبر ازدوز و کلک سیاست و نقشه‌های پشت پرده چون حاج محمد رضا مجتهد را وارد معرکه کردند آرایش سپاه فریقین شیخ و مجتهد صورت جنگی بخود گرفت این بار بهانه بلوا از راه مبارزه با مشروبات الکلی شروع گردید بنای حمله و هجوم به خانه‌های مردم غارت و شکستن و خورد کردن گذاشته شد . والی مسببین را تحت تعقیب قرار داد ، مهاجمین را بطرف خانه مجتهد ساده راندند ، آنان در خانه مجتهد بست نشستند ابتدا مجتهد بوالی خبر فرستاد و برآ با بست نشستگان کاری نیست ولی اطرافیان غرور ملاتی را بیدار نمودند حاج محمد رضا را تحریک به حفظ حریم بست خود کردند و از اینسو چون جاسوسها در اطراف مجتهد و والی زیاد بودند رابطین با نقشه کار میکردند پیغامها و خبرها را وارونه آوردند و بردند تا بجائیکه دو دسته در تیررس هم رویاروی هم قرار گرفتند والی باتوپ و توپخانه بمیدان آمد .

دیپلوماسی انگلیس

سیاست بزرگترین توهین را در تاریخ قاجاریه به دین کرد ، بعد از زدن و بستن و کشتن مردم ، آخوند را با خیل ملایان پا برهنه از منزل به استانداری بردند ، بفلک بسته چوب زدند و سپس مجتهد را که در تمام این احوال از غرور و شخصیت خود دفاع میکرد از شهر تبعید کردند . دیپلوماسی انگلستان از این واقعه در آستانه انقلاب مشروطیت و بسط قدرت تزاری تا کرانه‌های خلیج فارس استفاده شایان برد .

اینچنین کرمان برای خاندانهای اسفندیاری و ابراهیمی ماند ولی هنوز کار ناتمام بود طولی نکشید باز جنگ شیخی و متشرع راه افتاد ، با فشاریکه علمای تهران بدولت وارد آوردند و تظاهراتی که در مساجد شروع شد دولت و شاه نتوانست در مقابل این مالیات پایداری کند . حاکم معزول گردید ، حاج محمد خان نیز نتوانست موقعیت خود را بر روی خاکستر آتشزای کرمان حفظ نماید ، به ده لنگر (دارالشیخ) مرکز خود رفت با فتحی که کرده بود ، بقیه عمر را سرمست از پیروزی بزندگی اشرافانه و مرفه خود گذراند و در ۲۵ محرم ۱۳۲۴ (۱۹۰۶ م) در ۶۱ سالگی بدرود زندگی گفت وی بمدت ۳۶ سال رهبر شیخیان می بود . از اتفاقات عجیب اینست که برادرش (شیخ پنجم) نیز ۳۶ سال (۱۳۲۴ - ۱۳۶۰) پیشوای شیخی گری بوده است .

آقای ثانی دارای تألیفات فراوان در اطراف ایدئولوژی شیخیگری میباشد که تعداد آنرا تا ۱۷۳ نوشته‌اند که اغلب آنها خطی بوده در دارالشیخ کرمان نگهداری میشود .